

بخشش پس از تصادف وحشتناک

۷ سال پیش با هزار سختی ورنج با «امید» ازدواج کردم. قبل از ازدواج ۳ سال با هم دوست بودیم. در دوران دوستی مان خیلی با هم خوش بودیم. پایم را در یک کفش کردم که یا او یا هیچ کس.

ز طرفی خانواده پسر مورد علاقه ام هم مرا به عنوان عروس آینده خود نمی پذیرفتند.
ولی ما تصمیم خود را گرفته بودیم و حتی فکر فرار هم به سرمان زد.

الاخره به هر سختی که بود به هم رسیدیم و زندگی مشترک خود را در حالی که من ۱۷ ساله و همسرم ۲۰ ساله داشتم، شروع کردم. همسرم تازه از سربازی آمده بود و شغل درست و حسابی نداشت و پدرش هزینه زندگی ما را می داد ولی هر بار که خرجی می داد کتایه باران مان نیز می کرد که نان مفت ندارم بدهم شما بخورید. از این حرف ها نهیشت و کتایه های مادرشوهر و خواهرشوهرم به بلند در برابر حرف های من پوچ آن ها چاره ای نشد و من سکوت داشتم و او به همسرم اعتراض می کرد و جوامع سوختن و ساختن بود. یک سال از زندگی مشترک ما گذشت. دیگران آن را می دیدند. هیجانم که اوایل داشتم از زندگی ما رخت بر بسته بود. همیشه با خودم فکر می کردم چرا این قدر روز خوشبخت شدن بر ت و تاب من امیده غروب کرد و هزاران سوالی که همیچ وقت پاسخی برای من نیاورد. بدبختی و تنید روزی من وقتی شروع شد که همسرم در دانشگاه قبول شد و مجبور بود برای تحصیل به شهر دیگری برود و من هم مجبور بودم به منزل پدرش نقل مکان کنم. آن ها از نبود همسرم سوءاستفاده کردند و من مورد بی مهری های پاریادی قرار داند و بابت خوردن یک لقمه نان هزار تنگ داشتند و آن قدر مرا مزاج داند که مجبور شد برای همیشه آن چاره را ترک کرد. یک شب که در منزل نبودند از فرصت استفاده کردم و به هدف آواره کوچه و خیابان اندامم روز بعد هرچه با همسرم تماس گرفتم جواب نداد تا این که تصمیم گرفتم به دانشگاه بروم. محل تحصیل را بروم. فکر می کردم اگر مرا ببیند، خوشحال می شود و آواره ها برای حل مشکلات مان می اندیشیم.

وقتی به محوطه دانشگاه رسیدم در کمال ناباوری دیدم که با دختر جوانی روی نیمکت نشسته و خوش و بش می کنند. یک لحظه چشمانم سیاهی رفت، به زحمت تعادل خود را حفظ کردم، خودم را به کناری کشیدم و برای بدبختی خودم اشک ریختم. او نیز مانند خانواده اش بدترین کار ممکن را در حقم کرد و مرتبه خیانت شد خیلی زود نقاب از چهره اش برداشت.

تصمیم گرفتیم برای همیشه او را ترک کنیم و به منزل پدرم بروم. در مدتی که آنجا بودم همسرم کوچک ترین تلاشی برای برگشتن ما نکرد. اما یک روز ناباورانه درخواست طلاق را در منزل پدرم آوردند و برای همیشه از یکدیگر جدا شدیم. در احوالات یک سال از طلاق مان می گذرد. از دور و بری ها شنیدم که با همان دختر ازدواج کرده ام. من تبدیل به یک زن اسفرده شده بودم. اگر در این مدت حمایت می ساری و مداخله خانواده ام نبود شاید تصمیم بازگرداندن ای می گرفته و این قضیه زندگی من سر دراز دارد و به همین جا ختم نمی شود. یک روز برادر خیم آوردند که همسر سابقم به همراه همسرش و همسایر تفت و تصادف و خجستانی که در اند به طوری که شنیدم این خبر خیلی ناراحت شدم و برایش دعا کردم تا حاشی پطع شود.

خانواده اش برای حلالیت نزد من آمدند و طلب بخشش کردند اما خیلی قبل تر همه آن ها را بخشیده بودم. حتی از من خواهش کردند که به دیدن پسرشان بروم، ابتدا متناع کردم ولی وقتی آثار ندامت را در چهره مادرش دیدم، قبول کردم.

ایمی دانم چه حکمتی داشت که سر نوشت ما دوباره به هم گره خورد و با پرستاری های
 من حالش از لحاظ روحی بهتر شد و دوباره با هم از دواج کر دیدم. اگر چه او شاید مجبور
 بود تا آخر عمر ویلچر نشین شود، ولی اکنون سال هاست که با ۲ فرزندمان در کنار
 یکدیگر خوشبخت هستیم.

سرقت از خانه باغ ها این بار در مملجه

یابد و مال باخته روز می شود یا بدین صحنه می شود. مال باخته می یابد. خانه باخته می شود. خانه باخته ها و وسایل خانه باغ های قهر نمی گردانند و باغ ها را می بختند و می بختند و رحمت کنند و آن ها را زحمت بردی سر کشی

صدیقی سارق یا سارقان به تعدادی از خانه باغ های حاشیه روستای مملجه در اطراف بجنورد، دستبرد زدند. به گزارش خبرنگار نما، سارق یا سارقان که طی ماه قبل تعدادی از خانه باغ های روستای فیروزه را خالی کرده بودند این بار طی هفته گذشته از خانه باغ های اطراف روستای مملجه نیز سرقت کردند. بنا بر اظهارات یکی از مال باختگان، سارق یا سارقان شبانه با ابزار آبی خاص در آهنی خانه باغ را

با اجرای طرح نذر هشتم انجام شد؛

آزادی ۸ زندانی جرایم عمد

آماري از شرايط سني زندانيان استان

در پی آغاز اجرای طرح نذر هشتم با هدف آزادی زندانیان جرایم عمد با کمک خبریان روز پنج شنبه ۸ نفر از زندانیان جرایم عمد زندان بجنورد آزاد شدند. اغلب این اسرا سارقان مرکب سرقت شده بودند و با کمک ۴۰ میلیون تومانی خبریان از زندان آزاد شدند. به گزارش خبرنگار ما، مدیر کل زندان‌های خراسان شمالی در مراسم آزادی این زندانیان گفت: با آغاز طرح نذر هشتم به مدت هفت ماه ۸ زندانی جرایم عمد آزاد می‌شوند و به خانواده آنان کمک می‌شود. «گرچی» با اشاره به فرایند

اسلامی زندانیان زندان بجنورد با حضور روان شناسان و روان پزشکان، برگزار می‌گردد. کلاس‌های مختلف آموزشی و فرهنگی برای مددجویان و آموزش‌شناسی و حرفه‌ای آنان به منظور ورود به بازار کار، از جمله این است. با توجه به صورت مواجهه با این افراد نگاه گذشت‌ها و با آنان نداشته باشد. داستان عمومی و انقلاب بجنورد نیز در این مراسم با بیان این که در اسلام توجه ویژه‌ای به حقوق متهم شده است، اظهار کرد: هدف از مجازات‌ات جرم اصلاح و متنبه شدن اوست و در عین حال برای این افراد اقامت اسلامی نیز وجود دارد. «ایلائی» بیان کرد: در عین حال نذر هشتم، افرادی که مرتکب جرایم خشن شده اند، تحت نظر دستگاه قضایی هستند و این افراد شامل افرادی می‌شود که با رفتار خود در زندان نشان داده اند که متنبه شده اند. مدیر کل زندان‌ها و اقداد تأمین و تربیتی استان همچنین در نشست خبری با بیان این که ۲۶ درصد زندانیان این استان بی‌سواد یا زیر دپلم هستند، اظهار کرد: از مجموع زندانیان استان یک درصد دکتر و فوق دپلیما، ۲ درصد لیسانس، ۳ درصد فوق دپلیم و ۱۸ درصد مدرک دپلم دارند.

«گرچی» در بخش دیگری از سخنانش با بیان این که زندانیان زیر ۱۸ سال در این استان ۳ تا ۴ نفر هستند، افزود: همچنین زندانیان بالای ۵۶ سال نیز حدود ۵ درصد را شامل می شوند. وی گفت: زندانیان ۱۸ تا ۲۵ سال ۱۰ درصد را شامل

می‌شوند و زندانیان ۵۶ تا ۴۵ سال که نیروی کار و فعال جامعه هستند، شامل ۷ درصد می‌شوند. «گرجی» با بیان این که ۶۹ درصد زندانیان متاهل، ۲۷ درصد مجرد و ۴ درصد متاهل و سایر موارد است، افزود: بیشتر زندانیان که همسر دارند از زندان‌های این استان هستند، جوان و معمولاً بی‌سواد و متاهل هستند. وی با بیان این که به هر یک هزار و ۵۰۰ زندانی زن زندانیان این استان هستند، اظهار کرد: با توجه به این که نظر اساسی نسبت به مایگین کشور وضعیت بهتری داریم، تلاش می‌کنیم در این زمینه به استانداردهای جهانی برسیم. گرازگرش نیز کارگاه ما حاکی است، در پایان این نشست سخنرانان از روند اشتغال و حرفه آموزی زندانیان، جستجو را باید کردند.

عاقبت تلخ ساده لوحی

صدیقی ساده لوحی یک زن و اعتمادی به جایی که برده غریبه سرنوشته ام انگیز و عاقبت تلخی را برایش رقم زد. بنا بر اظهارات زن جوان، ماجرا این گونه است که گویی موبایلش خریداری می شود و به کسی حجت و چو یک نفر را به او معرفی می کنند تا کارش را راه بیندازد. این فرد که در خوشی را به عنوان یک تعمیر کار راه می دهد بود به زن جوان قول می دهد که سر فرصت یک گوشی در حد نو با قیمت مناسب برایش پیدا کند تا از سر گوشی قدیمی اش خلاص شود. زن جوان دوبارو زین سر شماره اش در اختیار مرد چرب زبان قرار می دهد تا با هم در ارتباط باشند. مدتی بعد از این ماجرا می آید و سر چرب زبان به پنهان های مختلف شروع به گزاف و پیاپیام یک زن خانه دار می کند و زن جوان بی خبر از همه چیزها به بار به نشانه ادب جواب پیامک های ارسانی او را می دهد.

این ارد و بدن شدن پیام ها باعث اعتماد بیشتر زن و خانه دار به آن مرد می شود و همین اتفاق او را وارد این خطرناکی می کند. زن جوان می گوید: فکر نمی کردم مرد خوش ظاهر و چرب اندام و نقشه شومی در سر داشته باشد. وقتی یک روز به من تماس گرفت و آدرس یک منزل را برای دیدن گویی مناسب به من داد، خوشحال شدم و بدون فکر کردن به عواقب کار سریع خودم را به محل رساندم. بعد از ورودم به خانه خیلی آرام نگاهم و روزه برگشت و نقاب از چهره من حیل گرفت. آنوقت دیدم که از خانه خارج کنم اما قایده بود و او به زور و تهدید من را از آزار داد. بعد از آن مرد غریبه من تهدید کرد اگر در خصوص این ماجرا چیزی به کسی بگویم عکس و فیلم هایم را در فضای مجازی پخش خواهد کرد. چند روز در وحشت سر و بدم و چیزی به کسی نگفتم تا آن که تصمیم گرفتم به جای باج دادن به او، مرد را از خانه بیاورم تا شاید از او قانونی برای باز آزاری اعمالش برساند.

کشف قرص قاچاق

صدیقی - ۳ هزار و ۱۲۰ عدد انواع قرص قاچاق کشف و ضبط شد. به گفته مدیر کل ترغیرات حکومتی خراسان شمالی، طی بازرسی از یک واحد صنعتی در بجنورد ۳ هزار و ۱۲۰ عدد انواع قرص قاچاق توسط پلیس آگاهی استان کشف شد. (سیدالموسوی)

اعلام کرد: پرونده ای در این خصوص در ترغیرات تشکیل شده و در حال رسیدگی و انجام تحقیقات لازم برای صدور رأی است.

غلامی
نمایندگی فروش و خدمات پس از فروش

مدیران خودرو
کد ۳۹۷



پیش پرداخت ۲۵ درصد | اقساط ۱ تا ۵ ساله

روزهای تعطیل نیز پذیرای شما مشتریان عزیز هستیم.

ساعت پذیرش تعمیرگاه: ۸ الی ۱۰ صبح

مدیران خودرو...ایده آل

• 5A-91 • • 2 • 21

بجنورد، نیروگاه، امام خمینی (ره) ۴۶

WWW.MVMCO.IR

• 910 11 995 555

مدیریت: اسماعیل آبادی

چهارراه باسکول، جنب اداره یست، قبل کوچہ صنوبر